

هو العليم

روش نظريه پردازي شبكه‌اي

شيخ عبدالحميد واسطی

۱.۱. مقدمه:

«نظریه‌ها» راهبر فعالیت‌های علمی هستند؛ اصلاح، گسترش و ارتقاء علوم نیازمند «نظریه‌ها» است؛ ارائه ایده‌های اولیه با اسم نظریه‌پردازی، سبب شده است تا فضای اعتماد به تولیدات علمی روشمند و در مرزهای دانش، مخدوش گردد؛ لذا نیاز به شاخص‌های اعتبارسنجی و عیارسنجی در ایده‌ها، فعال شده و بحث از «روش و مدل‌های نظریه‌پردازی» شکل گرفت: پوپر ۱۹۵۹، ناگل ۱۹۶۱، همپل ۱۹۶۵، رینولدز ۱۹۷۱، دوبین ۱۹۷۸، پیترسون ۱۹۸۰، باچاراچ ۱۹۸۹، وتن ۱۹۸۹، کوهن ۱۹۹۱، وایک ۱۹۹۵، روت ۱۹۹۳، لینهام ۲۰۰۰ (دانایی فرد حسن، نظریه‌پردازی در مدیریت، ۱۳۸۳) «روش‌شناسی نظریه‌پردازی اثر دوبین»، «تخیل نظام‌مند اثر وایک»، «روش عمومی نظریه‌پردازی اثر لین‌هام»، «چرخه نظریه‌پردازی اثر کارلایل»، «مدل نظریه‌پردازی اثر ون‌دی‌ون» از منابع تفصیلی در این حیطه است. (دانایی فرد حسن، ۱۳۸۸، روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی) منابعی که به «فلسفه علم» و «روش‌شناسی و روش تحقیق» پرداخته‌اند نیز مباحث مبنایی و فرآیندی بسیاری را در مسیر دستیابی به یک نظریه که تبیین معتبر (در پارادایم اثبات‌گرایی و انتقادی) یا گزارش معتبر (در پارادایم تفسیری) از پدیده‌ها ارائه کند، بیان کرده‌اند.

۱.۲. مسأله‌ی اصلی که این ایده، معطوف به حل آن است عبارتست از:

فرآیند قدم‌به‌قدم نظریه‌پردازی و اعتبارسنجی یک نظریه چگونه است؟

۱.۳. توصیف ایده و فرضیه‌ای که پاسخ سوال فوق است نیز به صورت زیر است:

«روش نظریه‌پردازی شبکه‌ای»، توصیف‌کننده چگونگی برقراری شبکه ارتباطی منسجم میان گزاره‌های پایه و روش ترکیب، برای تولید گزاره جدید در مقیاس علم است. (دستیابی به عیار یک «نظریه» در اصطلاح علمی) در توضیح مفاهیم عبارت فوق، باید گفت:

- «نظریه» در اصطلاح علمی، تعاریفی مانند زیر دارد:

«نظریه، گزاره‌ای واحد یا سازه‌ای از گزاره‌های منسجم و قابل سنجش است که چپستی، چرایی، چگونگی، و یا بایایی و شایایی شیء، پدیده، امر، رفتار، و یا ماهیتی اعتباری را توضیح و تبیین می‌کند و امکان تغییر ایجاد مینماید.» (هیات کرسی‌های نظریه‌پردازی ۱۳۹۰)؛ «وجه اشتراک در تعاریف نظریه، این است که «نظریه» یک فعالیت ذهنی است که چرایی و چگونگی رخداد یک پدیده را تعیین می‌کند.» (امیری مجتبی، ۱۳۸۲، نظریه و نظریه‌پردازی در دانش مدیریت)

- «شبکه» در اصطلاح علمی، تعاریفی مانند زیر دارد:

«مجموعه‌ای از گره‌های ارتباطی که از طریق مجراهایی به هم متصل‌اند.» (مصوب فرهنگستان زبان، ۱۳۸۵)؛ «مجموعه به هم پیوسته‌ای از پایگاه‌ها برای مبادله» (مصوب فرهنگستان زبان، ۱۳۸۵)؛ «وجه اشتراک تعاریف شبکه که در مصادیق مختلف ظهور یافته است این است که: شبکه، اجزاء بهم پیوسته منسجم است که به صورت تعاملی و برآیندی عمل می‌کنند» (واسطی، ۱۳۹۲).

- مقصود از «عیار نظریه‌ای» این است که محورهای گزاره‌های ذکر شده در نظریه، کفایت لازم از جهت صورت و قالب، برای تبیین را داشته باشند و مقصود از «اعتبار نظریه‌ای» این است که محورهای ذکر شده محتوای معتبر برای تبیین را داشته باشند (کفایت در ماده استدلال). این ایده، فقط به قسمت «صورت و قالب» نظریه پردازی پرداخته است و یک ایده فرآیندی است.

۱.۴. زمینه و سابقه ایده:

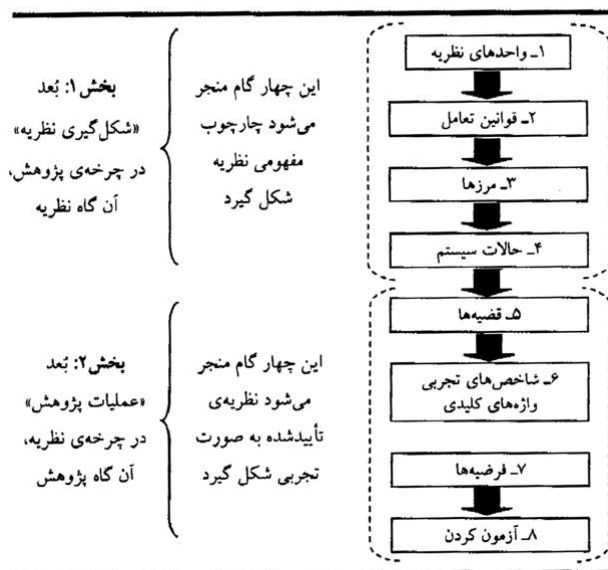
بررسی منابع مرتبط با نظریه پردازی، نشان داد که در هیچ کدام، فرآیندهای قدم به قدم برای نظریه پردازی ذکر نشده است و چگونگی شبکه سازی از گزاره‌های لازم برای شکل گیری یک نظریه ارائه نگردیده است و به ذکر مراحل کلی اکتفا گردیده است مانند:

الف- «مراحل روش علمی در فضای تجربه گرایی:

۱- مشاهده و تبیین یک یا چند پدیده

۲- ارائه یک فرضیه برای تبیین پدیده

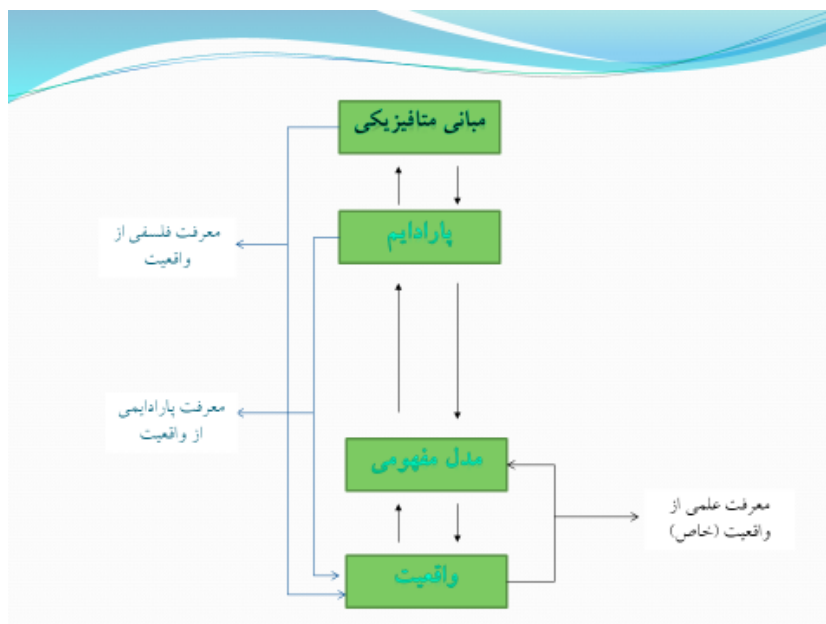
۱- به عمل آوردن آزمایشات یا سنجش های تجربی به واسطه چند آزمایش مستقل که به گونه ای مناسب اجرا شوند. اگر آزمایشات فرضیه را تأیید کنند، آن فرضیه ممکن است یک نظریه یا قانون طبیعی تلقی شود» (پوپر، منطق اکتشاف علمی)

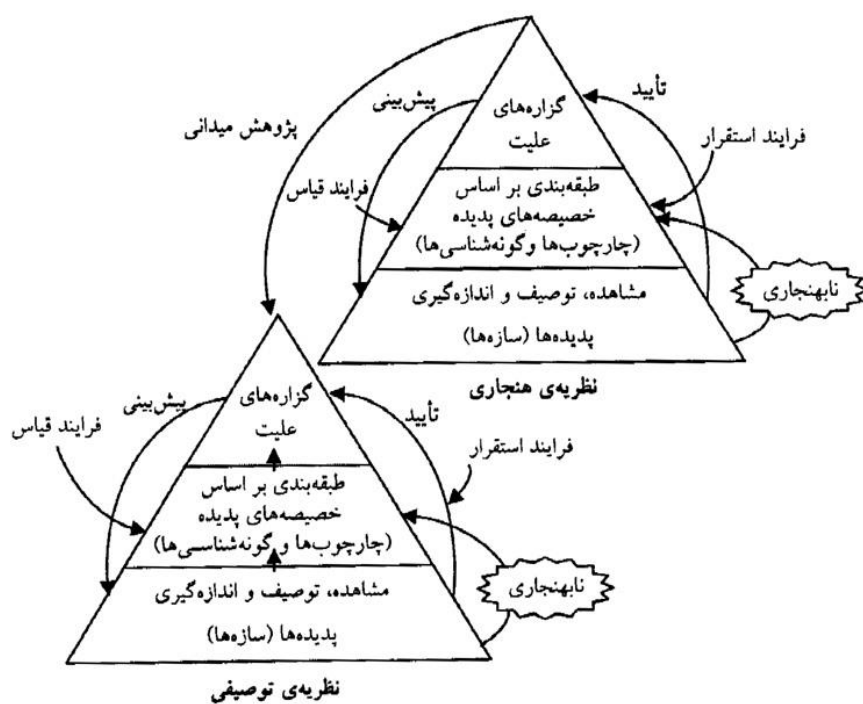


شکل ۱: روش‌شناسی نظریه‌پردازی هشت‌مرحله‌ای دوبین

منبع: این‌هام ۲۰۰۶، ص ۷۵

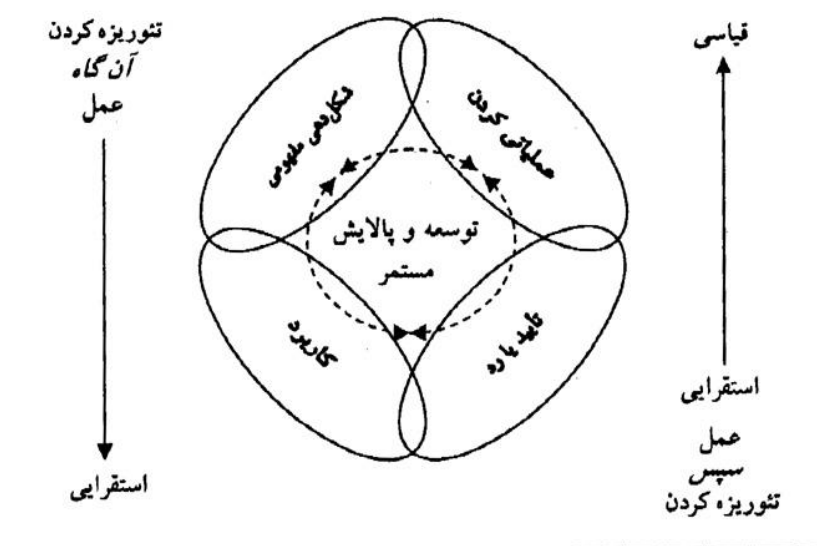
ب- «مراحل روش علمی در فضای تفسیری تفهیمی: (ایمان، محمدتقی ۱۳۹۰، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی)





شکل ۲: تبدیل نظریه‌ی توصیفی به نظریه‌ی هنجاری
منبع: کارلایل و کریستنسن، ۲۰۰۶، ص ۱۳

محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، جهان را مشاهده و تجربه می‌کنیم



شکل ۴: شیوه‌ی عمومی پژوهش نظریه‌پردازی در رشته‌های کاربردی
منبع: لین‌هام (۲۰۰۶)، ص ۲۳۱

در معیارهای ارزیابی یک نظریه نیز مواردی مانند زیر آمده است: (هاتفی محمد، ۱۳۸۶، معیار نظریه‌های علمی)

معیارهای منطقی :

(۱) توصیف واضح از رابطه میان دو یا چند متغیر

(۲) سازگاری منطقی

(۳) ابطال پذیری منطقی (یعنی باید مواردی وجود داشته باشند که بتوان در صورت جواب ندادن نظریه در آن شرایط، آن را غیر معتبر تلقی نمود؛ و گرنه نخواهیم توانست بگوییم آیا نظریه به ما حقیقت را می‌گوید یا نه؛ و از این رو ممکن نخواهد بود که بتوانیم نظریه را از طریق آزمایش و تجربه اصلاح کنیم)؛

معیارهای تجربی :

(۱) به گونه ای تجربی قابل آزمایش باشد.

(۲) واقعا اثری را در اختیار ما بگذارد؛ وگرنه حتی اگر در آینده با تأیید شدن این پیشگویی ها و پسگویی ها از فایده برخوردار شود، در شرایط فعلی مفید بودن آن را نمی توان اثبات نمود.

(۳) نظریه باید به گونه ای باشد که بتوان نتایج مورد ادعای آن را بازتولید یا تکرار کرد.

(۴) ملاک‌هایی را در اختیار ما قرار دهد تا بتوانیم واقعی، غیرواقعی، غیرعادی و یا نامربوط بودن داده های موجود را تفسیر کنیم.

معیارهای اجتماعی :

(۱) مسائل، تضادها و یا امور خلاف قاعده و غیر قابل تحلیل را که بر اساس نظریه از پیش موجود شناسایی شده اند، حل کند.

(۲) مجموعه مسائل علمی جدیدی را مطرح کند که لازم باشد دانشمندان روی آنها کار کنند.

(۳) شیوه حل مسأله در اختیار بگذارد که به حل مسائل مذکور یاری رساند؛

(۴) تعاریفی از مفاهیم یا عملکردها در اختیار گذارد که به دیگر دانشمندان در حل مسائل کمک کند.

معیارهای تاریخی :

(۱) نظریه باید تمامی ملاک‌هایی را که پیشینیان جمع بندی کرده اند، پاسخگو باشد و اگر معیاری را رد می کند و کنار می گذارد، حتما غیرواقعی بودن آن را ثابت کند.

(۲) قادر باشد تمامی داده هایی را که توسط نظریه های مرتبط قبلی جمع و دسته بندی شده اند، تفسیر و تبیین کند؛ مبنی بر آنکه آیا این داده ها واقعی هستند یا غیر واقعی (هیچ داده ای نباید غیر عادی باشد)؛

(۳) با تمامی نظریه هایی که از زمان قدیم وجود داشته اند و تاکنون به عنوان نظریه های معتبر شناخته می شوند، سازگار باشد.

با توجه به معیارهای چهارگانه منطقی، تجربی، اجتماعی و تاریخی، معیارهای نظریه بودن یک نظریه را چنین می توان جمع بندی نمود:

(۱) سازگاری (درونی و بیرونی)؛

(۲) امساک (صرفه جویی در ماهیت ها یا تبیینات پیشنهاد شده)؛

(۳) مفید بودن یا کارایی (پدیده های قابل مشاهده را شرح و تبیین می کند)؛

(۴) قابلیت رد و تأیید تجربی دارد؛

(۵) بر اساس آزمایشات یا تجربیات کنترل شده و قابل تکرار استوار است؛

(۶) قابلیت تصحیح و تغییر دارد؛

۷) پیشرو است (تمام آنچه را که نظریه‌های پیشین در اختیار می‌گذارند، و نیز بیشتر از آن را در اختیار می‌گذارد)؛ ایده‌پیشنهادی این قلم، سعی کرده است تا زحمات فوق را یک‌قدم به جلو ببرد و فرآیند تولید یک ایده در عیار یک نظریه را به تفصیل ذکر شده در ادامه طرح‌نامه ارائه نماید.

۱.۵. تبیین فرضیه:

نظریه پردازی شبکه‌ای (با تعریف ذکر شده در ابتدای طرح‌نامه) دارای سه سطح و ۲۰ فرآیند است:

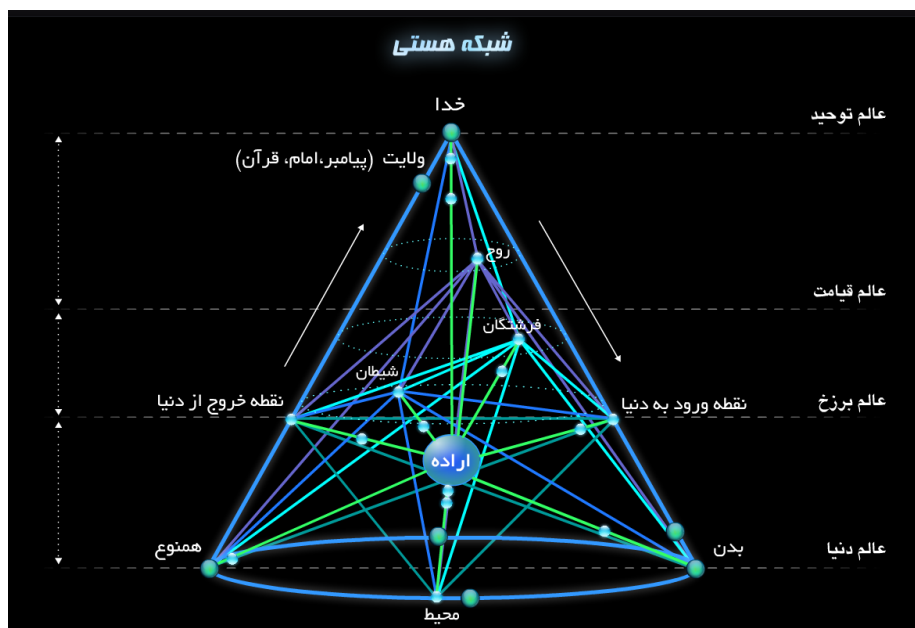


(اصطلاحات «فرضیه» و «آزمون» در فضای «تجربه‌گرایانه» ذکر نشده است بلکه فرضیه‌پردازی و آزمون‌کردن در هر لایه و سطح و بُعدی از پدیده‌ها، به تناسب آن است.)

استدلال:

یک نظریه، گزاره‌ای توصیف‌گر واقعیتی با اثر معنادار در تنظیم نیروها در هستی است. (هر توصیفی از واقعیت با اثر مقدار اثرگذاری، نظریه تلقی نمی‌شود)؛ از سوی دیگر، واقعیت‌ها و نیروها در هستی، به‌صورت شبکه‌ای هستند و تا زمینه ایجاد یک پدیده و روابط آن با دیگر پدیده‌ها، به برآیند نرسد، آن پدیده ایجاد نمی‌شود یا اثر خود را ایجاد نخواهد کرد (رئالیسم شبکه‌ای)^۱

^۱ خسروپناه عبدالحسین، روش‌شناسی علوم اجتماعی، ص ۲۵۱



بنابراین، کشف یک پدیده و واقعیت، تابعی است از کشف عوامل زمینه‌ساز، علت فاعلی، علت مادی، علت صوری، علت غایی، ابعاد و عوارض زمانی، مکانی، کمی، کیفی، اجزاء، روابط درونی، نقطه شروع تکون و تغییر، جهت رشد و حرکت، اثرگذاری، ... (علل اربع + مقولات عشر + مقومات سته حرکت)

بیان این موارد، به صورت مراحل و ابزارهای ذکر شده در جدول تحلیل نظریه آمده است. (ابزار تعریف‌گر، توصیف‌گر، تبیین‌گر، تفسیر‌گر، توجیه‌گر، پیشینه‌گو، رویکردساز و ...)

۱.۶. نتایج و آثار فرضیه:

براساس استدلال فوق، می‌توان محورها و مراحل تولید و اعتبارسنجی یک نظریه را به صورت زیر ارائه کرد تا براساس آن عملیات قدم‌به‌قدم تولید، تحلیل و اعتبارسنجی انجام شود و هم‌چنین آموزش داده شود:

سازه عام تولید، تحلیل و آزمون یک نظریه:

ردیف	سازه نظریه	محتوای نظریه
۱.	مساله اصلی نظریه (صاحب‌نظریه به حل چه مساله‌ای اهتمام ویژه دارد؟)	
۲.	مسائل فرعی نظریه (صاحب‌نظریه به دنبال پاسخ‌گویی به چه مسائلی است؟)	
۳.	بستر و چهار چوب معرفتی نظریه (نظریه و صاحب‌نظریه از چه نظریات یا افکاری اشراق شده‌اند؟ پارادایم و گفتمان حاکم بر نظریه چیست؟)	
۴.	رویکرد اتخاذ شده برای حل مساله (صاحب نظریه، چه رویکردی برای حل مساله انتخاب کرده است؟)	
۵.	چهارچوب روشی حاکم بر نظریه (روش مورد نظر برای تعریف، توصیف، تفسیر و تبیین؟)	
۶.	پیشینه نظریه (چه نظریاتی قبلاً در این عرصه عرضه شده است؟)	

۷.	رقبَاء نظریه (افکار و نظریاتی که همگرا با این نظریه نیستند و مخالف محسوب می‌شوند؟)
۸.	تعاریف موجود در نظریه (چه تعاریفی در نظریه ذکر شده است؟)
۹.	توصیف‌های موجود در نظریه (قیود و شرایط هر یک از موضوع و محمول و نسبت؟)
۱۰.	روابط موجود در نظریه (چه روابطی بین متغیرهای مختلف در نظریه آمده است؟)
۱۱.	تبیین‌های موجود در نظریه (چه استدلال‌هایی در نظریه ذکر شده است؟)
۱۲.	تفسیرهای موجود در نظریه (چه اجزاء و روابط پنهانی در نظریه، آشکارسازی شده است؟)
۱۳.	توجیه‌های استفاده شده در نظریه (مثال‌ها و شواهد صدق به‌کاررفته در نظریه؟)
۱۴.	تولید متن نظریه (با ذکر جامع و مانع اجزاء و روابط و تصریح بر رابطه اصلی مورد نظر با تعیین کمیت و کیفیت رابطه)
۱۵.	لوازم منطقی نظریه (دلالت‌های التزامی نظریه؟)
۱۶.	آثار نظریه (آثار عینی که نظریه می‌تواند ایجاد کند یا ایجاد کرده است؟)
۱۷.	نتایج معرفتی نظریه (چه تأثیری در چه فضای علمی ایجاد می‌کند؟)
۱۸.	روش گسترش نظریه (آیا صاحب‌نظر، اشاره به شیوه تکمیل و بازسازی نظریه کرده است؟)
۱۹.	روش ابطال نظریه (چه بشود این نظریه باطل می‌شود؟)
۲۰.	آزمون «کفایت و قابلیت انتاج» نظریه (بررسی قدرت تفسیر، تبیین و توجیه و تولید شواهد؟)

۱.۷. نمونه‌ای از کارکرد این روش:

نمونه تفصیلی از این جدول، در کرسی نظریه‌پردازی «عدل شبکه‌ای» ارائه شد و موفق به کسب رتبه نواوری با امتیاز ۹۵ گردید.

ردیف	سازه یک نظریه	محتوای نظریه در محورهای چهارده‌گانه
۱.	متن نظریه (عبارات اصلی بیان‌کننده فرضیه اصلی) و تصویر کلی از نظریه	عدل تابعی از محاسبه رشد در مقیاس شبکه هستی است. تصویر کلی از نظریه: نظریه جامعی برای «عدالت» را به‌صورت زیر می‌توان ارائه کرد: (نظریه جامع = نظریه راهنما ^۲ یا فرانظریه‌ای ^۳ برای تولید نظریات عدالت در حوزه‌های مختلف)

^۲ «نظریه راهنما» (guide theory)، نظریه‌ای واسطه میان مبانی معرفتی و مدل عملیاتی است که تعیین‌کننده نوع ورودی‌ها، نوع شاخص‌های خروجی،

جهت‌گیری پردازش، نقطه شروع پردازش است.

عدالت، نسبتی میان نیازها و بهره‌برداری از امکانات است که منجر به رشد مستمر پدیده‌ها در مقیاس شبکه هستی شود؛ و فرمول زیر، تامین کننده عدالت در هر حیطه‌ای است: به شرط مطلوبیت پایدار بردارهای روابط چهارگانه توانایی نیاز $f(\underbrace{N \wedge A}_{\text{توانایی نیاز}}) \wedge (a \wedge b \wedge c \wedge d) \wedge (\rightarrow \infty)$ که برای محاسبه عدالت در هر حیطه‌ای، باید در این فرمول، داده‌های مرتبط با آن حیطه قرار داده شود. (مثلا برای دستیابی به عدالت سیاسی، باید هرم نیازها با رویکرد سیاست، نقشه منابع و امکانات با رویکرد سیاست، مدل رشد با رویکرد سیاست، میزان پایداری با رویکرد سیاست؛ و همگی در مقیاس کل هستی، تهیه شود، و هنگامی که رابطه میان فعال‌سازی منابع با رفع نیازها سبب فعال شدن رشد تعریف شده در فوق شود و به پایداری تعریف شده در فوق برسد، عدالت سیاسی تحقق یافته است.)		
<u>معادله تعیین کننده عدالت در تمام حیطه‌های مرتبط، براساس مبانی معرفتی اسلام چیست؟</u> (تابع تبدیل تولید عدالت به معنی عام چیست؟) (معادله یا تابع تبدیل = تعیین طیفی از متغیرها و چگونگی روابط بین آنها به گونه‌ای که سبب ایجاد اثری مشخص شود یا تغییرات متغیرهای وابسته را براساس متغیرهای مستقل تعیین کند.)	مسئله اصلی نظریه (صاحب نظریه به حل چه مسائلی اهتمام ویژه دارد؟)	۲.
عدالت چیست؟ آیا زبان مشترکی برای عدالت‌پژوهی وجود دارد؟ می‌توان نظریه جامعی برای تمام حیطه‌های عدالت ارائه کرد؟^۳ آیا عدالت قابل محاسبه، فرمول‌بندی و معادله‌سازی است؟ دستگاه معرفتی تولیدکننده «معادله عدالت» چیست؟ تمایز فرمول‌های تحقق عدالت در نظریات رایج عدالت، با فرمول متخذ از مبانی معرفتی اسلام چیست؟ براساس چه فرمولی در عدالت، می‌توان عادلانه بودن قوانین و اخلاقیات و حیانی را خردپذیر کرد؟ براساس چه فرمولی می‌توان میزان عادلانه بودن یک دیدگاه یا عملکرد را سنجید؟	مسائل فرعی نظریه (صاحب نظریه به دنبال پاسخ‌گویی به چه مسائلی است؟)	۳.

^۳ فرانظریه (metatheory)، روابط اساسی حاکم بر مجموعه‌ای از نظریه‌ها است؛ مجموعه‌ای از باورها درباره اینکه چگونه پدیده‌ها در یک حوزه خاص باید مورد تفکر واقع شده و درباره آنها پژوهش صورت بگیرد (واگنر و برگر ۱۹۸۵؛ واکاری ۱۹۹۷)؛ فرانظریه با پارادایم تفاوت دارد، تطبیق یک پارادایم بر یک حوزه مشخص از موضوعات، فرانظریه را شکل می‌دهد.

^۴ با ملاحظه میان‌رشته‌ای بودن عدالت

۴.	بستر و چهارچوب معرفتی نظریه (نظریه و صاحب نظریه از چه نظریات یا افکاری اشراق شده‌اند؟ پارادایم و گفتمان حاکم بر نظریه؟)	حکمت متعالیه (یعنی تاثیر مبانی حکمت متعالیه در نوع دیدگاه به شبکه هستی (نظام العالم) و نوع تعریف در مفاهیم بنیادی (نقطه مرکزی تمایز این دستگاه فلسفی با دیگر دستگاه‌های فلسفی، بحث «صرف الوجود» و لوازم برهانی آن است که براساس تحلیل‌های وجودشناسانه تلاش برای جمع میان برهان عقلی، شهود قلبی و وحی الهی در اسلام کرده است). تحلیل‌های وجودشناسانه = تعیین نقطه مختصات یک موجود در کل شبکه هستی (نظام العالم) پارادایم شبکه‌ای (بسته مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، جامعه‌شناسی، مبتنی بر دیدگاه حکمت متعالیه به چگونگی شبکه هستی، نظام العالم) «شبکه» = مجموعه بهم‌مرتبط از سیستم‌ها که به‌صورت برآیندی (جمع برداری)، برای تحقق هدفی فعالیت دارند. (شبکه، یک ابرسیستم است)
۵.	رویکرد اتخاذ شده برای حل مساله (صاحب نظریه، چه رویکردی برای حل مساله انتخاب کرده است؟)	
۶.	چهارچوب روشی حاکم بر نظریه (روش‌هایی برای تعریف، توصیف، تفسیر و تبیین؟)	روش تحقیق شبکه‌ای (کتابخانه‌ای و میدانی نیست، بلکه <u>تحلیل مفهومی</u> است که با ابزارهای تحلیل و ترکیب متخذ از فلسفه، صورت پذیرفته است تا <u>منشاء انتزاع حقیقی مفاهیم</u> به کار رفته در مباحث عدالت، کشف و صورت‌بندی (مدل) شوند. ابزارهای اصلی تحلیل و ترکیب در فلسفه عبارتند از: تعیین مقولات عشر، علل اربع، مقومات سته حرکت)^۵
۷.	پیشینه نظریه (چه نظریاتی قبلاً در این عرصه عرضه شده است؟)	<u>نمونه نظریات ارائه شده:</u> ایجاد توازن میان خواسته‌ها به‌طوری‌که حداکثر رضایت افراد حاصل شود (کلم)،

^۵ روش تحقیق شبکه‌ای که مبتنی بر پارادایم شبکه‌ای است، مراحل و ضوابطی است که از فلسفه و حکمت متعالیه، برای تحلیل هر پدیده‌ای در مقیاس شبکه هستی، استخراج شده است. این مراحل به اجمال عبارتند از: ۱. تشخیص نیاز و مساله در مقیاس شبکه هستی، ۲. استخراج و جمع‌آوری اطلاعات لازم با ملاحظه کل شبکه هستی، ۳. ترکیب این اطلاعات با ابزارهای فلسفی علل اربع، مقولات عشر، مقومات سته حرکت، ۴. ارائه این ترکیب در قالب یک مدل وجودی که تعیین کننده تابع تبدیل ورودی‌ها به خروجی است. تفصیل این روش، در کتاب «راهنمای تحقیق با اقتباس از نگرش اسلام» ذکر شده است. از خروجی‌های این روش تحلیل و استنتاج، «معادله محاسبه امور در مقیاس شبکه هستی» است که مراحل قدم به قدم آن به شرح زیر است:

۱. شکل «شبکه هستی» را در نظر بگیر.

۲. روابط اصلی موجود در شبکه هستی را استخراج کن. (رابطه انسان با خود، با هم‌نوع، با محیط، با ماوراء، با تقویت‌کننده‌ها، با تضعیف‌کننده‌ها)

۳. اصل موضوعی حرکت در شبکه هستی، «برآیندی» است (خطی و براساس جمع جبری نیست) را در نظر بگیر:

نتیجه اینکه: معادله محاسبه شبکه‌ای عبارتست از: برآیندگیری از روابط چهارگانه انسان در شبکه هستی (با ملاحظه تشدید یا تضعیف حرکت) که میتوان آن

را به این صورت نشان داد: $f(a \wedge b \wedge c \wedge d) \wedge (\phi \vee -\phi)$

		رفتار مسئولانه در برابر اهداف (هایک)، رفتار یکسان با شایستگی‌های یکسان (استوارت میل)، قرار گرفتن فرد در موقعیتی که سزاوار آن است (علامه طباطبایی)، قیمت برابر و جبران برابر (ابن تیمیه)، رعایت مساوات در جعل و اجرای قانون (مطهری)، حذف امتیازات بی‌وجه و ایجاد تناسب میان خواسته‌های متعارض در ساختار اجتماعی (رالز)، توزیع برابر کالاهای اجتماعی مگر در صورتی که توزیع نابرابر بیشترین مزیت را برای فقیرترین قشر جامعه داشته باشد (رالز)
۸.	رقباء نظریه (افکار و نظریاتی که همگرا با این نظریه نیستند و مخالف محسوب می‌شوند)	این نظریه، یک نظریه «وجودگرا» و مبتنی بر ترکیب «استحقاق» و «رشد» است لذا کلیه دیدگاه‌های زیر رقیب این نظریه محسوب می‌شوند: «دیدگاه احساس‌گرا، طبیعت‌گرا، اخلاق‌گرا، قراردادگرا، فایده‌گرا، فردگرا، وظیفه‌گرا، خردگرا، اراده‌گرا ^۸ ، مکتب مبتنی بر برابری،» ^۸ و همچنین کلیه تلاش‌های معرفتی برای توصیف، تفسیر و تبیین «عدل»، <u>مقیاس محاسبه عدالت</u> را بیان نکرده‌اند ^۹ و <u>معادله محاسبه عدالت</u> را ذکر نکرده‌اند.
۹.	تعاریف موجود در نظریه (چه تعاریفی در نظریه ذکر شده است؟)	۱. شبکه هستی = اشاره به کل «عالم وجود» با روابطی که میان موجودات برقرار است. (رویکرد فلسفی نظام العالم) ۲. مقیاس شبکه هستی = بررسی یک پدیده در موقعیتی که با کل عالم وجود ارتباط برقرار کرده است. ۳. حق (به عنوان یک امر وجودی) = وجود ثابت مستقل و خودبنیاد. ۴. حق (به عنوان یک امر ارتباطی میان پدیده‌ها) = توانمندی که هر پدیده برای رسیدن به کمال خود و قرار گرفتن در جایگاه خود در هستی لازم دارد. و اگر این توانمندی را داشت، مفهوم «شایستگی» تولید می‌شود یعنی حق اوست که به عنوان منبع رفع نیاز قرار گیرد. ۵. خیر = تاثیر مثبت یک عامل، برای رسیدن به هدف؛ و خیر ذاتی (مطلوب خودبنیاد) = وقتی که هدف، بینهایت و نامحدود باشد. (بینهایت = لازمه صرف الوجود بودن، وجود بدون تعین)

^۶ وظیفه‌گرایی = نظریه‌ای که معتقد است خوبی و بدی کارها، تابع انگیزه و نیت درونی افراد است نه خروجی و نتیجه کار آنها. (ر.ک. فلسفه اخلاق، (مصباح ۱۳۸۶) نشر موسسه امام خمینی) نکته: در منازعه میان وظیفه و نتیجه، می‌توان نظریه «وظیفه‌گرایی نتیجه‌محور» را مطرح کرد یعنی انسان موظف است طوری عمل کند که با کمترین هزینه به بیشترین کمیت و کیفیت از به نتیجه صحیح برسد؛ و اگر بدون افراط و تفریط، به نتیجه نرسید در حقوق و اخلاق، بمانند کسی است که به نتیجه رسیده باشد.

^۷ اراده‌گرایی = عقیده به اینکه منشاء پیدایش حقوق، اعتبار معتبر و اراده اوست حتی اگر کاری طبق خرد و قوانین طبیعی باشد ولی تا اراده‌ای بر عمل طبق آن نباشد، حقی شکل نخواهد گرفت. اگر این اراده‌گرایی با حکمت جمع شود و اراده حکیمانه را حاصل کند، به اندیشه شیعی نزدیک می‌گردد. (ر.ک. جهانیان ناصر، نظریه جامع عدالت، مجله فلسفه دین، شماره ششم، ص ۱۱۵)

^۸ ر.ک. جهانیان ناصر، نظریه جامع عدالت، مجله فلسفه دین، شماره ششم

^۹ فقط به عدالت قالبی formal پرداخته‌اند، و معیار محتوایی بیان نکرده‌اند.

۶. نیاز = احساس تمایل و کشش به سوی داشتن چیزی در خود (اتحاد وجودی با منبع رفع نیاز) ۷. امکانات = منابع رفع نیاز ۸. کمال = به فعلیت رسیدن تمام ظرفیت وجودی یک چیز؛ و کمال مطلق = وجود بینهایت ۹. سعادت = دستیابی به لذت جامع و پایدار (با میل به بی‌نهایت) ← سعادت = اتصال به وجود بینهایت ۱۰. رشد = خروج مستمر از محدودیت‌های ادراکی و اراده‌ای و حرکت به سوی علم، قدرت و حیات بینهایت ۱۱. استحقاق = نیاز صادق بالفعل که باید ارضاء شود. ۱۲. صلاحیت = توانایی ارضاء نیاز فردی یا جمعی به‌طوری که سبب تعارض غیرمعمول با دیگر نیازهای فردی یا جمع نشود. ۱۳. شایستگی = توانایی ارضاء نیازی مربوط به جمع، که دیگران توانایی آن را ندارند. ۱۴. معادله = تعیین کمیت، کیفیت و جهت رابطه بین متغیرهای مختلف برای تحقق یک اثر ۱۵. تابع = دقیق‌سازی نحوه تبعیت یک یا چند متغیر از یک یا چند متغیر دیگر با تعیین کمیت و کیفیت و جهت و بُعد ارتباطی میان آنها ۱۶. معادلات حرکت انسان در شبکه هستی = تعیین کمیت و کیفیت و جهت و زمان و مکان و ... در ارتباطات انسان در شبکه هستی به‌طوری که برآیند آنها حرکت به سوی هدف مورد نظر شود. ۱۷. پایداری = عدم تأثیرپذیری از متغیرهای تضعیف‌کننده و ایجاد شرایطی که عوامل یک سیستم بتوانند بدون اختلال به ایجاد اثر مورد نظر پردازند. (بقاء در محور عامل، اجزاء، روابط، منابع، هدف، زمان، مکان، کمیت، کیفیت، اثرگذاری)		
عدالت، نسبتی میان <u>نیازها</u> و <u>بهره‌برداری از امکانات</u> است که منجر به رشد مستمر پدیده‌ها در مقیاس شبکه هستی شود؛ و برای دستیابی به عدالت و محاسبه عدالت در هر حیطه-ای، باید در فرمول زیر، داده‌های مرتبط با آن حیطه قرار داده شود: به شرط مطلوبیت پایدار بردارهای روابط چهارگانه $\rightarrow$ توانایی نیاز $f(N \wedge A) \wedge (a \wedge b \wedge c \wedge d) \wedge (\rightarrow \infty)$ ۱. <u>نیازها</u>، در مقیاس شبکه هستی دیده می‌شوند و دارای مدل هستند (مدل نیازها = دسته‌بندی انواع نیازها و رابطه سطوح مختلف آن با یکدیگر) ۲. <u>امکانات و توانایی</u>، در مقیاس شبکه هستی دیده می‌شوند و دارای مدل هستند (مدل امکانات = دسته‌بندی انواع امکانات و رابطه سطوح مختلف آن با یکدیگر) ۳. رشد، با مقایسه با هدف در مقیاس شبکه هستی محاسبه می‌شود و دارای مراحل است (مراحل رشد = تعیین طیف انتقال از یک سطح نیاز به سطح بالاتر و از یک سطح استفاده از امکانات به سطح بالاتر که سبب گسترش	۱۰. توصیف‌های موجود در نظریه (قیود و شرایط هر یک از موضوع و محمول و نسبت)	

ادراکی و احساسی می‌شود) ۴. شبکه هستی، برآیند روابط طیفی میان عوالم و نیروهای مثبت و منفی در آنهاست و هر حرکتی در آن، نیازمند تنظیم خود با کل این روابط است. ۵. پایداری، در مقیاس شبکه هستی محاسبه می‌شود با میل به بینهایت مرتبط می‌شود (برقراری ارتباط میان پدیده‌ها و ابدیت) ۶. روابط چهارگانه اصلی در شبکه هستی (رابطه با خود (جسم، فکر، روح)، محیط (جاندار و جماد)، ممنوع (خانواده، فامیل، همسایه، همشهری، هموطن، بین‌الملل، بین‌نسلی)، عوالم فوقانی (عوامل موثر در قبض و بسط امور در دنیا)) ضریب و وزن دارند و برآیندی هستند. (وزن آنها براساس میزان تاثیر در رشد پایدار (اتصال به ابدیت مطلوب) محاسبه می‌شود).		
سطح یک روابط: (روابط میان محورها) ۱. عدل نسبتی خاص میان نیازها و دسترسی به امکانات رفع نیاز است. ۲. این نسبت براساس رشد و حرکت به سمت هدف، معنادار می‌شود. ۳. این نسبت در مقیاس روابط چهارگانه در کل شبکه هستی سنجیده می‌شود. سطح دو روابط: (روابط درون محورها) ۱. نیاز هر فرد یا جمع و در هر حوزه‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ...)، در هرم نیازها در مقیاس شبکه هستی، <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (تعیین علل اربع آن نیاز، تعیین عوارض تسعه^{۱۰} آن نیاز، مقومات سته^{۱۱} آن نیاز، که مجموعاً وزن و ضریب اهمیت آن را نشان خواهد داد) ۲. هر منبع و امکاناتی، در نقشه منابع و امکانات در مقیاس شبکه هستی، <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (تعیین علل اربع آن، تعیین عوارض تسعه^{۱۲} آن، مقومات سته^{۱۳} آن، که مجموعاً وزن و ضریب اهمیت آن را نشان خواهد داد) ۳. هدف مورد نظر در هر حوزه‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ...)، در شبکه اهداف <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (اولویت‌بندی شده و وزن داده شده و ترتیب علی یافته) ۴. رشد حداقلی و حداکثری در هر حوزه‌ای براساس شبکه <u>اهداف</u> <u>مختصات یابی</u> می‌شود. (تعیین شاخص‌های تحقق رشد حداقلی و حداکثری) ۵. براساس روابط چهارگانه در شبکه هستی، متغیرهای نیاز، منابع، اهداف، رشد، در تمام روابط چهارگانه نیاز به ورودی دارند. (تشکیل ماتریس داده-های متناسب با هر موضوعی، برای ورود به متغیرهای فرمول عدل)	روابط موجود در نظریه (چه روابطی بین متغیرهای مختلف در نظریه آمده است؟)	۱۱

^{۱۰} زمان، مکان، کمیت، کیفیت، اجزاء، روابط، زمینه، میزان اثرگذاری و اثرپذیری

^{۱۱} نقشه شروع، مرکز ثقل، جهت حرکت، مراحل تحقق، سرعت تحقق، نقطه پایان

^{۱۲} زمان، مکان، کمیت، کیفیت، اجزاء، روابط، زمینه، میزان اثرگذاری و اثرپذیری

^{۱۳} نقشه شروع، مرکز ثقل، جهت حرکت، مراحل تحقق، سرعت تحقق، نقطه پایان

۶. هدف مورد نظر در هر حوزه‌ای (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ...)، در شبکه اهداف مختصات‌یابی می‌شود. (اولویت‌بندی شده و وزن‌داده شده و ترتیب علی یافته) ۷. تعیین و فعال‌سازی منبع مختصات‌یابی شده، برای اثرگذاری در رفع نیاز مختصات‌یابی شده، به‌طوری که سبب حصول رشد مختصات‌یابی شده گردد (در هر حوزه‌ای از سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد... به حسب خودش)، «عدل» را تولید می‌کند. (این گونه عدل، رشد محور است، در هرم نیازها و امکانات و اهداف معنادار است و قابل محاسبه فرمولی است.)		
حق و امکانات، در مقیاس شبکه هستی است $P'_1 \rightarrow$ هستی شبکه‌ای است P_1 نیازها، در مقیاس شبکه هستی است $P'_2 \rightarrow$ انسان شبکه‌ای است P_2 رشد، در مقیاس شبکه هستی است $P'_3 \rightarrow$ حرکت در شبکه هستی، برآیندی است P_3 رشد، مطلوب است (حق موجودات است) P_4 دسترسی به امکانات سبب برطرف شدن نیازها است $P_1 + P_2$ دسترسی به امکانات و رفع نیازهایی که سبب رشد در مقیاس شبکه هستی شود اعطاء حق است $(P_1 + P_2) + P_3 + P_4$	تبیین‌های موجود در نظریه (چه استدلال‌هایی در نظریه ذکر شده است؟)	۱۲.
نقاط ارتباطی فلسفه و توحید (یکپارچگی هستی بینهایت)، با عدالت قرار گرفتن نیازها، امکانات، اهداف و رشد، در مقیاس شبکه هستی برآیندی بودن این متغیرها (ضرورت تشکیل ماتریس متغیرهای فوق) وجود مراتب و سطوحی برای تحقق عدالت	تفسیرهای موجود در نظریه (چه اجزاء و روابط پنهانی در نظریه، آشکارسازی شده است؟)	۱۳.
در تحلیل‌های موجود در فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، برای شکل‌گیری یک نظام اخلاقی عادلانه، نظام حقوقی عادلانه، نظام سیاسی عادلانه، چنین متغیرهایی با روابط میان آنها دیده می‌شوند ولی دقیق‌سازی و فرموله نشده است.	توجیه‌های استفاده شده در نظریه (مثال‌ها و شواهد صدق به‌کاررفته در نظریه)	۱۴.
۱. با تعیین مصداق نیاز، منبع رفع نیاز، هدف مورد نظر، رشد مورد نظر در هر حوزه از موضوعات، می‌توان براساس محاسبه ریاضی، عادلانه بودن یا نبودن یک کار را تعیین کرد. ۲. انحصار به انسان ندارد، محیط‌زیست و کلیه موجودات مرتبط با زندگی انسان را نیز در برمی‌گیرد.	لوازم منطقی نظریه (دلالت‌های التزامی نظریه)	۱۵.

۳. شاخص «هر چیزی حداقل باید به اندازه نیازهای ضروری‌اش، بهره‌بردار و نباید بیش از توانش از او خواسته شود» را در بردارد. ۴. به شاخص فوق محدود نشده و به شاخص «حرکت به سوی رشد و کمال» نیز توسعه یافته است. ۵. شاخص «به‌فعلیت درآمدن قوا و استعدادها» را ارائه کرده است. ۶. میان نیازهای صادق و کاذب، قوای مثبت و منفی تمایز داده است. ۷. حق‌محور است و تقدم «حق» بر «خیر» را ملاک قرار می‌دهد. (یعنی چیزی خیر است که حق‌مدار باشد). ۸. ضرورت توازن میان رعایت حقوق فرد و حقوق جمع را ارائه نموده است. ۹. احساس‌های حقیقی^{۱۴} را می‌پذیرد و معیار آزمون عدالت قرار می‌دهد. ۱۰. قواعد و قوانین طبیعت را می‌پذیرد و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد. ۱۱. به آثار عملی موضوعات توجه می‌کند و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد. ۱۲. به نتایج نهایی موقعیت‌ها توجه می‌کند و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد. ۱۳. به محاسبات عقلانی در تشخیص عدالت توجه دارد و آن را یکی از معیارهای محاسبه عدالت قرار می‌دهد. ۱۴. به اراده برتر از انسان توجه می‌کند و معادلات تامین عدالت از طرف او را می‌پذیرد. ۱۵. به کلیه منابع و امکانات در اختیار بشر توجه دارد، مانند «دانش، قدرت، ثروت، منزلت و روابط.....» ۱۶. نسبت به شایستگی‌ها حساس است. (یکی از سطوح نیاز، رعایت شایستگی در افراد است) ۱۷. نحوه عملکرد در تعارض‌ها و تراحم‌ها را تبیین می‌کند.^{۱۵} ۱۸. کلیه انواع عدالت را در بر می‌گیرد. (عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، عدالت تکوینی، عدالت تشریعی، عدالت اخلاقی، عدالت حقوقی، عدالت توزیعی^{۱۶}، عدالت رویه‌ای، عدالت مراوده‌ای، عدالت ملموس،)^{۱۷}		
---	--	--

^{۱۴} احساس حقیقی = احساس نوعی دارای منشاء انتزاع واقعی (نه احساس شخصی و ذهنی)

^{۱۵} در این فضا، مدل موجود در دانش فقه و حقوق، و تبیین‌های موجود در دانش اصول فقه و فلسفه حقوق، کفایت لازم را دارد.

^{۱۶} عدالت توزیعی، منعکس‌کننده انصاف قابل ادراک از تخصیص منابع است؛ عدالت رویه‌ای منعکس‌کننده انصاف قابل ادراک از فرآیندهاست و عدالت

مراوده‌ای منعکس‌کننده انصاف قابل ادراک از روابط سازمانی است. (ر.ک. (پورعزت ۱۳۸۳)، مقاله **شهر عدل و دولت هوشمند**، نشریه پیام مدیریت، شماره ۱۲)

^{۱۷} عدالت‌های مضاف، حداقل پنجاه عدد هستند، به تعداد سیستم‌های کلان برای تحقق یک تمدن. (فهرست کامل این پنجاه کلان سیستم را در پایگاه

فرآیند محاسبه و تحقق «عدالت» (براساس عدل شبکه‌ای) ۱. مرحله یک (تعیین ورودی‌ها): جدول نیازها و جدول امکانات مرتبط با موضوع مورد نظر و جدول اهداف مرتبط با موضوع را تهیه کن. ۲. مرحله دو (تعیین خروجی = هدف): تعیین کن که دقیقاً در اثر رفع نیاز مورد نظر، چه اثری باید ایجاد شود؟ (با ذکر عوارض تسعه یعنی تعیین زمان (متی)، مکان (این)، کمیت (کم)، کیفیت (کیف)، اجزاء درونی (وضع)، روابط بیرونی (اضافه)، زمینه لازم (جده)، نحوه اثرگذاری (فعل)، نحوه اثرپذیری (انفعال)) ۳. مرحله سه (تعیین پردازش): أ. صادق یا کاذب بودن نیاز مورد نظر را بررسی کن.^{۱۸} (با صدق ضریب اهمیت آن نیاز را در این موضوع و این موقعیت) ب. روابط نیاز مورد نظر را با نیازهای دیگر بررسی کن و وزن بده. (اثرگذاری یا اثرپذیری از یکدیگر و میزان آن) ج. کلیه منابع و امکاناتی که احتمال دارد بتوانند این نیاز را در این موقعیت برطرف کنند تشخیص بده. د. منبع و امکانات بهینه را از بین احتمالات فوق تشخیص بده. (ضریب تاثیر فعال شدن آنها بر دیگر موجودات در دراز مدت باید محاسبه شود) ه. کیفیت فعال سازی منبع و امکانات فوق را تشخیص بده. و. زمینه لازم برای فعال سازی منبع مورد نظر را فراهم کن. ز. زمینه لازم برای برقراری ارتباط میان منبع فعال شده با نیاز مورد نظر را فراهم کن. (اعم از ارائه اطلاعات و دانش لازم، یا رفع موانع) ح. فرد یا جمع مورد نظر را متوجه قرار گرفتن در موقعیت فوق کن ← عدالت ورزیده‌ای.^{۱۹}	آثار نظریه (آثار عینی که نظریه می‌تواند ایجاد کند یا ایجاد کرده است)	۱۶.
از آنجایی که عدالت زیرساخت کلیه حوزه‌های حکمت عملی است و علمی که خروجی‌های رفتاری دارند به دنبال تعادل‌های رفتاری هستند، لذا شبکه‌ای بودن عدالت، سبب ایجاد رویکردهایی مانند سیاست مبتنی بر عدل شبکه‌ای، حقوق	نتایج معرفتی نظریه (چه تاثیری در چه فضای علمی ایجاد می‌کند؟)	۱۷.

^{۱۸} یکی از راه‌های تشخیص صادق یا کاذب بودن نیاز، مشاهده و استقراء وضعیت «پایه» است؛ وضعیت «پایه» یعنی هیچ‌گونه محرک خاصی از بیرون به افراد وارد نشود و افراد در یک وضعیت با اصالت طبیعی خود قرار گیرند. (بخشی از نظریه عدالت قراردادی «رالز» و دال مرکزی آن که «انصاف» است، به این حالت پایه اشاره دارد که به آن «وضع اصیل یا original position» می‌گویند. (ر.ک. واعظی احمد، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، موسسه امام خمینی، ص ۲۶)

^{۱۹} «دیاس» از متفکران حوزه عدالت، در فرآیند تحقق عدالت چنین گفته است: رعایت حق در تخصیص منابع، ممانعت از سوء استفاده از قدرت و آزادی، رعایت حق در اختلافات و منازعات، رعایت حق در تغییرات. (ر.ک. جهانیان ناصر، نظریه جامع عدالت، ص ۱۰۴)

	مبتنی بر عدل شبکه‌ای، اخلاق مبتنی بر عدل شبکه‌ای، توسعه و پیشرفت مبتنی بر عدل شبکه‌ای، نظریات جامعه‌شناسانه مبتنی بر مکتب عدل شبکه‌ای، نظریات اقتصادی مبتنی بر عدل شبکه‌ای شود.	
۱۸.	روش گسترش نظریه (آیا صاحب‌نظریه، اشاره به شیوه تکمیل و بازسازی نظریه کرده است؟)	بازنگری در بسته مفاهیم پایه مرتبط با عدالت، به هدف کشف متغیرهای احتمالی دیده‌نشده + توصیف تفصیلی مدل نیازهای شبکه‌ای، مدل امکانات شبکه‌ای، مدل رشد شبکه‌ای + تعیین وزن برای متغیرهای دخیل در معادله عدل شبکه‌ای.
۱۹.	روش ابطال نظریه (چه بشود این نظریه باطل می‌شود؟)	۱. اگر کسی اثبات کند که حرکت انسان در هستی، برآیندی از تمام ارتباطات او با متغیرهای موجود در هستی نیست، این نظریه باطل می‌شود ۲. اگر کسی ثابت کند که مفهوم عدل با <u>رشد انسان</u> ارتباطی ندارد این نظریه باطل می‌شود. ۳. اگر کسی ثابت کند که نیازها، امکانات، اهداف و رشد، به‌صورت شبکه مرتبط با هم قابل تعریف و محاسبه نیستند، این نظریه باطل می‌شود.
۲۰.	آزمون «کفایت و قابلیت انتاج» نظریه (بررسی قدرت تفسیر، تبیین و توجیه و تولید شواهد)	آیا قانون X عادلانه است؟ پاسخ: هر قانونی، الزام <u>فعال‌سازی</u> منبع و امکاناتی برای رفع نیازی است (چه به- صورت «فعل» و چه به‌صورت «ترک»)، براساس عدل شبکه‌ای اگر موارد زیر در آن رعایت شده بود می‌توان گفت عادلانه است: • صادق بودن آن نیاز، گستره و عمق آن و ضریب اهمیت آن نسبت به نیازهای دیگر محاسبه شده باشد. • فحص جامع نسبت به منابع قابلیت‌دار برای رفع نیاز صورت گرفته باشد. (در مقیاس شبکه هستی) • واقعی بودن آن امکان، ضریب تاثیر آن در رفع نیاز مورد نظر، محاسبه شده باشد. • امکان دسترسی لازم به آن منبع محاسبه شده باشد. • نوع تاثیر و ضریب تاثیر فعال‌سازی آن منبع، بر دیگر موجودات محاسبه شده باشد. • نوع تاثیر و ضریب تاثیر فعال‌سازی آن منبع، بر قوانین قبلی محاسبه شده باشد • میزان ماندگاری و پایداری قانون مورد نظر محاسبه شده باشد، نتیجه: اگر نیاز مورد نظر غیرقابل صرف‌نظر برای حداقل لازم در رشد مخاطبین قانون در حوزه مورد نظر (جزایی، مدنی، اساسی، ...) است، و آنگاه قانون X عادلانه است.

۱.۸. کاربرد و نتیجه:

کارکرد اصلی این ایده، ایجاد توانایی عملیاتی کردن تولید نظریه، و اعتبارسنجی نظریات است که در اثر دقیق‌سازی روابط میان متغیرها حاصل می‌شود.

می‌توان براساس مطالب مذکور در این ایده، جدول زیر را برای ارزیابی یک نظریه، پیشنهاد کرد:

ردیف	شاخص مورد ارزیابی	ضریب	امتیاز از صفر تا ده
۱.	زبان قابل فهم	۱	
۲.	ساختار شفاف (محوربندی که به سهولت قابل تشخیص است)	۱	
۳.	تعیین و تعریف مفاهیم و متغیرهای اصلی (به راحتی قابل تشخیص هستند)	۱	
۴.	توصیف مسأله اصلی نظریه (آنچه دغدغه حل آن را دارد) ^{۲۰}	۲	
۵.	توصیف ^{۲۱} فرضیه (پاسخ به مسأله فوق) در قالب جملات خبری مشخص	۲	
۶.	توصیف انگیزه توجه به مسأله نظریه (بستر پیدایش نظریه)	۱	
۷.	توصیف اصول موضوعه و مبانی و مبادی معرفتی نظریه (پارادایم تفصیلی) ^{۲۲}	۱	
۸.	توصیف روش‌شناسی تولید نظریه و روش استدلال	۲	
۹.	شفاف بودن ^{۲۳} «استدلال و تبیین» برای فرضیه ^{۲۴} (بالخصوص مشخص کردن قاعده و قانون کلی‌ای که تبیین در ذیل آن انجام می‌شود)	۴	
۱۰.	ارائه نمونه‌ها و شواهد برای صدق فرضیه (کاربرد نظریه) در عمل ^{۲۵}	۲	
۱۱.	ارائه توصیه برای چگونگی استفاده از نظریه (عبور از چرایی‌ها و چرایی‌ها و رسیدن به چگونگی‌ها)	۳	
۱۲.	میزان سازگاری و انسجام درونی و بیرونی ^{۲۶}	۴	

^{۲۰} با ذکر مسأله اصلی و تاکید بر «مسائل و مواردی که قصد پرداختن به آنها را ندارد»

^{۲۱} تعیین مشخص موضوع، محمول، قیود، متعلقات، شرایط

^{۲۲} مقصود از پارادایم تفصیلی = ذکر مبانی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه، ارزش‌شناسانه، ...

^{۲۳} شفاف بودن = ایجاد تمایز میان مفاهیم، ارائه تفسیر در موارد ابهام

^{۲۴} مشخص بودن صغری، کبری، حد وسط، مقدم، تالی، ملازمه

^{۲۵} عملیات «توجیه»

		(سازگاری ^{۲۷} با قطعیات قبلی خودش و نظریات معتبر دیگر دارد؟)	
۱۳.	۳	میزان جامعیت نظریه نسبت به تمام مفاهیم و روابط و آثاری که احتمالاً به مساله نظریه مربوط هستند. ^{۲۸}	
۱۴.	۴	میزان مانعیت نظریه نسبت به ورود مفاهیم و روابط و آثار نامرتبط (شاخص تمیز موارد واقعی از توهمی و غیرواقعی یا غیرمرتبط را داده است یا نه؟)	
۱۵.	۴	ارائه پیش بینی علمی و در اختیار قرار دادن قدرت کنترل	

والحمد لله رب العالمین

^{۲۶} انسجام درونی یعنی نباید آثار مفاهیم و روابط موجود در نظریه متضاد یا متناقض باشد. تمام محمولها که روی موضوع واحد سوار میشوند باید یک شبکه نظام مند و هدفمند بین سازه ها و مفاهیم و گزاره ها ایجاد کنند. و انسجام بیرونی یعنی باید با بدیهیات و اصول موضوعه قطعی سازگار باشد.

^{۲۷} سازگاری یعنی: قدرت تحلیل و تبیین اطلاعات قبل از طرح شدن این نظریه

^{۲۸} در شش لایه: تعریف ها، توصیف ها، تبیین ها، تفسیرها، توجیه ها و توصیه ها